

حیدرآباد



قاسم صراف

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: صرافان، قاسم، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور: حیدرآنه. قاسم صرافان.
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.
شابک: 978-600-304-176-9
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴.
سندی کنگره: ۹۱۳۹۳ ح ۲۲۴ / ر ۳۱ PIR
زده بدی نویسی: ۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۹۰۰۷۷



فصل پنجم

ناشر: فصل پنجم

حیدرآنه
قاسم صرافان

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۱۷۶-۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۶۶۹۰۹۸۴۸ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

ایمیل شاعر: gh.sarrafan@gmail.com

وبلاگ شاعر: sarrafan.blogfa.com

ایمیل فصل پنجم: fasle5.1386@gmail.com

سایت فصل پنجم: www.Fasle5.ir

نام و مطلع سروده‌ها

دلبِ قبله / بی جمالت خبر از دل، اثر از عشق نبود / ۱۱

سر تو حید / سر تو حید احمدی اینست: که علی را فقط خطاب کند / ۱۴

سر نوشت / سر نوشت ما، گره خورده به گیسوی علی / ۱۶

علی آباد / یا علی «گفته عشق در آغاز، تا که این قدر، ماندگار شده / ۱۸

موبه مو / شانه می زد تا به گیسوی علی، بنت اسد / ۲۰

خیبر / یا علی گفتم همه را / روی باز شد / ۲۳

بدر / «بدر» یادش مانده آن روزی که می لرزاندی اش / ۲۹

غدير / دست هایت را که در دستان گریخت، آرام شد / ۳۳

پیوند / آسمان می خواند امشب، قدسیان و عیسی زنده / ۳۵

با عباس / یا علی! این کیست می آید شتابان سوخته / ۳۸

با سلمان / کنج نخلستان تو تنها بودی و مردی رسید / ۴۱

خندق / اشک می بارید از چشمان سلمان، مثل ابر / ۴۵

شق القمر / شام احیا می گشایم با تو، قرآن کریم / ۵۳

ناخدا / باز مرا، سوی لب خم کشید / ۵۵

دست / از قدیم و ندیم می گویند: / ۵۷

عشق / عشق، یعنی یکی، درونِ دو تن / ۵۹

بار بند / هر چند، نام نیک، فراوان شنیده ایم / ۶۳

در بار / «بنا آتنا» نگاهش را، که هوایم دوباره بارانی ست / ۶۷

عروش و لرش / دارد تاب، عاشق، دیدنِ محبوب مهر و را / ۶۹

آیینه / سلام صاحبِ آن شترابینِ قشنگی قسمت را / ۷۱

ختم کلام / تا چشم خم افتد به سیمای تو، ساقی! / ۷۲

غزلی قلندرانه / معادلات جهان را، علی! به هم زده ای تو / ۷۴

میرِ عشق / ماه رویی که نور می نوید، به شما در الست، من بودم / ۷۶

ماه در محراب / می روی با فرق خونین، پیشِ زومِ کبود / ۷۷

ندیدند / مگر این ها در خیبر ندیدند؟ / ۷۹

انگشتر / رکوعش، مست کرده دلبرش را / ۷۹

سلونی / رسیدم باز با دستان خالی / ۸۰

ایوان نجف / عشق من و تو، چه ماجرای دارد! / ۸۰

سگفت

محبتِ مخصوصِ لایم امیرالمومنین، مجلدی مخصوص
می خواست. سرهای دار و قدیمی، باید علی گویان گرد هم
می آمدند و حلقه‌ی دُشمن می زدند شورانگیز تر. انگار حماسه‌های
حیدری، می خواستند با هم، حیدری تر باشند.

کاستی‌ها همچنان فراوانند. ولی «الیوم» بیات به برکت ساقی
«أَكْمَلْتُ لَكُمْ»، کاملترند از قبل و به لطف یکا پیران، اه، پیراسته
تر و در سایه‌ی محبت اهل ادب، مودب‌تر.

و اکنون، همراه با یارانی که نظر کردند، نقد کردند، دگر کردند،
دعا کردند، همه با هم در ضیافت «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ»، پای سفره‌ی کرم
مولا، می نشینیم و شریک می شویم در خشنودی دل مرضیه‌ای که
یک تبسمش، از هزار ماه بهتر است.

قاسم صرافان

تهران، شهریور ۱۳۹۳